

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی بری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۱۰ مارچ ۲۰۱۵

آنچه را که بحث ضد « توطئه پنداری » پنهان می کند

دولت علیه جمهوری

به درخواست فرانسوا هولاند، حزب سوسیالیست بیانیه ای در مورد جنبش بین المللی « نظریه توطئه » (« *conspirationniste* ») [یا « توطئه باوران »] منتشر کرد. هدف از چنین اقدامی نیز زمینه سازی برای تصویب قانونی است که باید مانع انتشار نظریات « توطئه باوران » شود.

در ایالات متحده، کودتای ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ موجب برقراری « حکومت اضطراری دائمی » (منشور میهن دوستی *Patriot Act*) شد و سیلی از جنگ ها و لشکر کشی های امپریالیستی جاری گردید. به تدریج، نخبگان اروپایی از هم قطاران خود در آن سوی آتلانتیک پی روی کردند. در همه جا، شهروندان نگران دولت هایشان هستند که آنها را به حال خود واگذاشته و مؤسساتشان را زیر علامت سؤال می برد. نخبگان برای حفظ قدرت از این پس حاضرند از اعمال زور استفاده کنند و از مخالفانشان با سرنیزه استقبال کنند.

شبکه بین المللی ولتر/ دمشق (سوریه) / ۹ مارچ ۲۰۱۵



در ۲۷ جنوری ۲۰۱۵، رئیس جمهور فرانسوا هولاند توطئه باوران (آنهايي که به نظریه توطئه باور دارند) را امروز مسؤل جنایاتی دانست که دیروز توسط نازی ها علیه یهودیان در اروپا صورت گرفته است و بر این اساس خواهان ممنوعیت بیان نزد آنها شد.

رئیس جمهور فرانسه، فراسوا هولاند «نظریه توطئه» را به نازیسم تشبیه کرد و سپس اعلام نمود که باید از پخش این نظریات در اینترنت و شبکه های اجتماعی جلوگیری شود.

بر این اساس او در ۲۷ جنوری ۲۰۱۵ هنگام برگزاری یادمان هولوکاست اعلام کرد: «[ضد سامی] از نظریه توطئه که به شکل بی حد و مرزی منتشر می شود، پشتیبانی می کند. نظریات توطئه باور که در گذشته به مصیبت انجامید» (...). «پاسخ، این است که باید در رابطه با نظریات توطئه باوری که در اینترنت و شبکه های اجتماعی پخش می شود آگاه شویم. بنابر این باید به یاد آوریم که در آغاز با فعل بود که کشتار جمعی آماده شد. ما باید در سطح اروپا و حتی در سطح بین المللی عمل کنیم، تا در چهار چوب حقوقی بتوانیم آن را تعریف کرده و مهار کنیم، و سکوهای کمپیوتری در اینترنت که شبکه های اجتماعی را مدیریت می کنند در مقابل مسؤلیت هایش قرار گیرند، و در صورت خطا مجازات هائی در نظر گرفته شود.» (۱)

چندین نفر از وزرا نیز آنچه را که نظریه توطئه خوانده اند تقبیح کرده و به عنوان «خمیر مایه نفرت و گریز از جامعه» دانسته اند.

با آگاهی به امری که رئیس جمهور هولاند «نظریه توطئه» را نظریه ای می نامد که دولت ها، هر رژیمی که باشد به انضمام دولت های دموکراتیک، تمایل خود انگیزه ای برای دفاع از منافع خودشان دارند و نه برای دفاع از شهروندان، بر این اساس می توانیم نتیجه بگیریم که او دست به ایجاد چنین مخلوطی زده است تا بعداً سانسور احتمالی مخالفانش را قانونیت ببخشد.

چنین تعبیری با انتشار متنی زیر عنوان «توطئه باوری: بررسی وضعیت عمومی» (۲) توسط بنیاد ژان ژورس، اتاق فکری حزب سوسیالیست که آقای هولاند سر دبیر آن است.

مناسبات سیاسی فرانسوا هولاند، حزب سوسیالیست، بنیاد ژان ژورس، دیدبانی سیاست های افراطی و نویسنده بیانیه را کنار بگذاریم، و تنها روی پیغام او و محتوای ایدئولوژیک آن متمرکز شویم.

تعریف «نظریه توطئه»

اصطلاح «نظریه توطئه» «*théories du complot*» و «توطئه باوری» «*conspirationnisme*» پس از انتشار کتاب من درباره امپریالیسم امریکائی پسا ۱۱ سپتمبر زیر عنوان دروغ بزرگ *L'Effroyable imposture* (۳) در فرانسه گسترش یافت. در آن دوران برای درک مفهوم آن دچار مشکل بودیم زیرا ما را به تاریخ سیاسی امریکا بازمی گرداند. در امریکا به شکل رایج «توطئه باورها» را «*conspirationnistes*» می نامیدند یعنی آنهایی که مرگ رئیس جمهور کندی را کار یک فرد می دانستند و بر این باور بودند که مرگ او حاصل توطئه یک گروه به مفهوم حقوقی کلمه بوده است. با گذشت زمان، این اصطلاحات وارد زبان فرانسه شد و در پیوند با خاطرات سال های ۳۰ و جنگ دوم جهانی، افشای «توطئه یهودی» تداعی شد. این شیوه بیانی امروز هم در اشکال چند معنایی به کار می رود و درک می شود و در برخی موارد به مفهوم قانون سکوت امریکائی و در جای دیگری به مفهوم ضد سامی اروپائی است.

در بیانیه، بنیاد ژان ژورس تعریف خاص خود را در مورد «توطئه باوری» مطرح می کند:

«داستان آلترناتیوی است که مدعی متحول ساختن بنیادی شناخت و آگاهی ما از یک رویداد است و در نتیجه با نسخه ای که عموماً پذیرفته شده در رقابت قرار گرفته و آن را به عنوان نسخه رسمی افشاء می کند.» (ص ۲).

باید ببینیم که چنین تعریفی در مورد هذیان های بیماران روانی به کار برده نشده باشد. بر این اساس سقراط با طرح تمثیل غار (در کتاب هفتم در جمهور افلاطون) اطمینانی را که در مورد درست بودن تصورات و اندیشه های زمان خود وجود داشت، زیر علامت سؤال می برد. گالیله با طرح نظریه مرکزی خورشید با شناختی مقابله می کرد که در زمان مبتنی بر انجیل بود و زمین را مرکز جهان می پنداشتند. و غیره.

من به سهم خودم و به این علت که در من «پاپ توطئه باوران» را دیده اند یا این که پیش از همه «خارج از دین و عرف» شناخته شده ام، به گفته فیلسوف ایتالیایی روبرتو کوآگلی Roberto Quaglia، من تعهد سیاسی رادیکال خودم را تأیید می کنم، به مفهوم رادیکالیسم جمهوری خواهانه فرانسوی، مانند لئون بورژوا Léon Bourgeois (4)، ژرژ کلمانسو Georges Clemenceau (5)، آلن آلان Alain (6) و ژان مولن Jean Moulin (7). برای من، مانند آنها، دولت لویاتانی Léviathan است که به دلیل سرشت بُعد درونی اش از آنهایی که تحت حکومت خود دارد سوء استفاده می کند.

به عنوان جمهوری خواه رادیکال، آگاه هستم که دولت دشمن منافع عمومی، اموال عمومی *Res Publica* است، به همین دلیل نمی خواهم آن را از بین ببرم ولی می خواهم آن را رام کنم. کمال مطلوب جمهوری خواهی با رژیم های متنوعی سازگار پذیر است، حتی با رژیم سلطنتی، همان گونه که اعلامیه ۱۷۸۹ تأیید کرده است. این اپوزیسیونی که حزب سوسیالیست کنونی به آن معترض شده، به اندازه ای تاریخ ما را متأثر ساخته که در سال ۱۹۴۰ فیلیپ پتن Philippe Pétain جمهوری را حذف کرد تا «دولت فرانسه» را اعلام نماید. فرانسوا هولاند به محض این که در مقام ریاست جمهوری قرار گرفت، من تمایلات پنتنیسم pétainisme او را افشاء کردم (۸). امروز، آقای هولاند از جمهوری می گوید تا بهتر آن را بگوید و با واژگونی ارزش ها کشور را به هرج و مرج بکشاند.

«توطئه باوران» چه کسانی هستند؟

«توطئه باوران» شهروندانی هستند که با هر گونه اعمال قدرتی از سوی دولت برای تحت نظر گرفتن آنها مخالفت می کنند.

بنیاد ژان ژورس آنها را چنین تعریف می کند: «جریانی مخلوط است که قویاً با جریان نفی کنندگان کشتار جمعی یهودیان [یا به طور مختصر «نفی گرایان» (négationniste)] اصطلاحی که از سال ۱۹۸۷ توسط هانری روسو تاریخ شناس فرانسوی رایج شد] درهم آمیخته شده است و در مجموع طرفداران هوگو چاوز و طرفداران بی قید و شرط ولادیمیر پوتین در کنار یکدیگر دیده می شوند. باند بزهکاری که از مبارزان چپ یا چپ افراطی، شورشیان قدیمی، حاکمیت طلب، ناسیونالیست های انقلابی، اولترا ناسیونالیست، نوستالژیک های رایش سوم، مخالفان واکسیناسیون، طرفداران گزینش شانس، رویزیونیست های ۱۱ سپتمبر، ضد صهیونیست ها، افریقا محوری ها، بشاریست ها، کاتولیک های اصول گرا یا اسلام گرا تشکیل شده است» (ص ۸)

می بینیم که ایجاد اغتشاش در معرفی تمایلات و ناسزاگوئی به هدف بی اعتبار سازی افرادی به کار برده شده که می خواهد تعریف کند.

اسطوره «توطئه باوران»

بنیاد ژان ژورس سیاه نمائی هایش را با اتهام زنی به «توطئه باوران» ادامه می دهد که با نا آگاهی از واقعیات جهان به شکل ساده دلانه ای به اسطوره های باطل شده باور دارند. بر این اساس، ما به «توطئه صهیونیست جهانی»، به «توطئه بیداران» («*complot illuminati*») با فراماسونری یکی پنداشته می شود، و «اسطوره روتشیلد» باور داریم: بلاگ نویس، اتین شوآر Étienne Chouard که نوشته های او تنها به جمهوری خلاصه نمی شود بلکه در فراسوی آن به بررسی دموکراسی می پردازد (۹)، می گوید که قانون پمپیدو و روتشیلد در سال ۱۹۷۳ منشأ قرض فرانسه است. و بنیاد ژان ژورس این موضوع را مردود می داند و از مقاله ای که در روزنامه لیبراسیون منتشر شده نقل قول می آورد.

در اینجا می بینیم که یادآوری اتین شوآر در اینجا ما را در مورد دو اسطوره دیگر ناکام می گذارد. بنیاد ژورس افرادی را مخاطب قرار می دهد که پاسخ اتین شوآر را به تربیون لیبراسیون نشنیده اند (۱۰)، و حتی نظریات میشل روکار Michel Rocard را نیز درباره «توطئه باوری» نشنیده اند (۱۱). در واقع، از این بحث نتیجه گرفته می شود که قانون ۱۹۷۳ موجب انفجار قرض فرانسه به نفع بانک های خصوصی شد، یعنی انفجاری که در گذشته هرگز روی نمی داد.

«فضای توطئه»

از دیدگاه بنیاد ژان ژورس، روشنفکران توطئه باور: «به طور کلی امریکای شمالی هستند. می توانیم مشخصاً از وبستر تارپلی Webster Tarpley و ویلیام انگدال William Engdhal نام ببریم (هر دو اعضای قدیمی سازمان سیاسی فرقه ای در امریکا به رهبری لیدون لاروش Lyndon LaRouche بوده اند. وین مادسن Wayne Madsen (WayneMadsenReport.com), کوین بارت Kevin Barrett (VeteransToday.com) یا میشل شوسودوسکی Michel Chossudovsky (Mondialisation.ca), که با هم قطاران اروپائی خودشان نوعی جامعه بین الملل تشکیل داده اند که تی پری میسان، رئیس شبکه ولتر که در نومبر ۲۰۰۵ سعی کرد شکل عینی به آن ببخشد و در بروکسل گردهمایی ضد امپریالیستی «محور صلح» را برگزار کرد که فهرست شرکت کنندگان مثل دیکسیونر who's who زندیگنامه نویسندگان توطئه باور خوانده می شود که بیش از همه در آن دوران در معرض دید بودند» (ص ۸)

ابتدا باید بدانیم که بنیاد ژان ژورس تنها به فرانسه و به انگلیسی خوانده است، و فهرست تمام شرکت کنندگان در محور صلح *Axis for Peace* را نگاه نکرده است و به همین علت تصور می کند که پدیده تنها به فرانسه، کانادا و ایالات متحده محدود می شود، در حالی که ادبیات گسترده ای را به زبان های آلمانی، عرب، اسپانیائی، ایتالیائی، فارسی، لهستانی، پرتغالی و روسی در بر می گیرد، یعنی زبان هائی که اکثراً در محور صلح شرکت دارند. در عین حال باید به خصوصیت اشاره تحریک آمیز به «سازمان سیاسی و فرقه ای در امریکا به رهبری لیدون لاروش» پردازیم. در واقع، در دورانی که وبستر تارپلی و ویلیام انگدال از اعضاء بودند، این حزب گرهمایی هایش را با سازمان فرانسوی هم خانواده خود، «مبارزه کارگری» *Lutte ouvrière* برگزار می کرد.

کمی دورتر در متن، بنیاد ژان ژورس یادآوری طنزپرداز **دیودونه امبلا** مشهور به دیودونه را فراموش نمی کند که دولت نمایش های او را ممنوع اعلام کرده، و به همین گونه جامعه شناس آلن سورال Alain Soral که سایت انترنتی او (EgaliteEtReconciliation.fr) بالاترین رکود شنوندگان را در فرانسه به دست آورده، والن بنیامین

Alain Benajam (facebook.com/alain.benajam)، رئیس شبکه و لتر فرانسه و نماینده دولت روسیه جدید در دونباس.



در سال ۱۹۸۹، رئیس قدیمی اطلاعات ایالات متحده در اروپا، ایروینگ براون **Irwing Brown**، برای روزنامه نگاران روزه فالیگو **Roger Faligot** و رمی کوفر **Rémi Kauffer** آشکار کرد که ژان کریستوف کامبادلی **Jean-Christophe Cambadélis** را در دورانی که طرفدار تروتسکیست های لامبرتیست بود استخدام کرده بود. ۲۵ سال بعد کامبادلی سردبیر حزب سوسیالیست فرانسه شد.

نظریات سیاسی «توطئه باوران»

پس از این مقدمه، بنیاد ژان ژورس به موضوع اصلی می پردازد، یعنی به نظریات سیاسی نزد «توطئه باوران»: (۱) حذف هر گونه تفکیکی بین سرشت رژیم های اقتدارگرا و دموکراسی لیبرال. (۲) مخالفت با هر گونه قانون ضد نژاد پرستی به بهانه دفاع از «آزادی بیان». (۳) نفی ضرورت شکاف چپ و راست، شکاف اصلی مرتبط است به «نظام» (سیستم) (یا امپراتوری یا اولیگارش) و آنهایی که در مقابل آن مقاومت می کنند (ص ۸) (۴) این نظریه که صهیونیسم عبارت است از «طرح تسلط بر جهان» (ص ۹) بنیاد ژان ژورس مشخصاً موضوعات بحث و جدل ها را هدف می گیرد، ولی خطوط را برای بی اعتبار جلوه دادن مخالفان درشت نمائی می کند. به عنوان مثال، هیچ کس با قانون ضد نژاد پرستی مخالف نبود، ولی تنها و مشخصاً وضعیت قانون فیبوس و گی سو **Fabius-Gayssot** مورد اعتراض بود که برای بحث درباره قتل عام یهودیان اروپا مجازات زندان تعیین کرده بود (۱۲).

صهیونیسم چیست؟

بنیاد ژان ژورس، سپس وارد تحلیل عریض و طویل نوشته های من پیرامون موضوع صهیونیسم می شود، و پس از تغییر شکل دادن به آن می گوید: «در اینجا ادعای ضد سامی توسط تی پری میسان ارتباطی با نقد سیاسی مقطعی ندارد، نقد سیاسی دولت های پی در پی که در رأس حکومت اسرائیل قرار گرفته اند. به ضد استعماری نیز شباهتی ندارد که عقب نشینی اسرائیل از سرزمین های اشغالی پس از جنگ شش روزه و ایجاد دولت فلسطینی بتواند پاسخ مناسبی برای آن باشد. دیدگاه او از انترناسیولیسم نیز منشأ نمی گیرد که به هر جنبش ملی مظنون شود، صهیونیسم را به عنوان یک جنبش ملی تلقی نمی کند. این ضد صهیونیسم از نوع پارانوایک بوده که مدعی مبارزه

علیه صهیونیسم در تنوع جلوه گاه های تاریخی اش نیست، بلکه هیولائی تخیلی را ماند که منشأ تمام بدبختی های جهان است».

می خواهم روی این بحث نتیجه گیری کنم و جای قابل توجهی برای تحلیل آن در نظر بگیرم، بنیاد ژان ژورس اهمیت آن را یادآور شده است. در واقع من از وضعیتی دفاع می کنم که تا کنون در مباحث سیاسی غربی مطرح نشده است (۱۳) :

(۱) نخستین رئیس دولتی که خواست خود را برای گردآوری یهودیان جهان در یک دولت مستقل مطرح کرده است لرد کرامول Lord Cromwell در قرن هفدهم است. طرح او که به روشنی مطرح شده عبارت بوده است از استفاده دیاسپورای یهودی برای گسترش حاکمیت و برتری انگلستان. تمام دولت های بریتانیائی از این طرح دفاع کرده اند و توسط بنیامین دیزرائیلی Benjamin Disraeli در دستور روز کنفرانس برلن به ثبت رسید.

(۲) خود تئودور هرتسل Theodor Herzl شاگرد سسیل رودز Cecil Rhodes نظریه پرداز امپراتوری بریتانیا بود. هرتسل در آغاز پیشنهاد کرده بود که اسرائیل را در اوگاندا یا ارجنتاین ایجاد کنند و نه در فلسطین. وقتی موفق به جذب طرفداران یهودی برای اجرای این طرح بریتانیائی شد، با ایجاد آژانس یهودی زمین های فلسطین را خریداری کرد که ساختار آن منطبق بر الگوی کامل شرکت رودز در جنوب افریقا بود.

(۳) در سال ۱۹۱۶-۱۹۱۷، بریتانیا و ایالات متحده با یکدیگر به توافق رسیدند و متعهد شدند که دولت اسرائیل را به وجود بیاورند، این موضوع مرتبط است به اعلامیه بلفور برای لندن و اصول چهارده گانه ویلسون برای واشنگتن.

در نتیجه کاملاً پوچ است که مدعی شویم هرتسل صهیونیسم را اختراع کرده، طرح صهیونیسم را نیز از طرح استعمار بریتانیائی تفکیک کرده، و وضعیت دولت اسرائیل را به عنوان ابزار طرح امپراتوری برای لندن و واشنگتن نفی کرده است.

موضع گیری حزب سوسیالیست در مورد این موضوع بی طرفانه نیست. در سال ۱۹۳۶، توسط لئون بلوم Léon Blum پیشنهاد کرد که یهودی های المان به جنوب لبنان منتقل شوند به شکلی که وقتی اسرائیل به وجود آمد این سرزمین را نیز ضمیمه کند (۱۴). با این وجود این طرح فوراً توسط کمیساریای عالی فرانسه در بیروت، کنت دامین دو مارتل دو ژانویل comte Damien de Martel de Janville مردود اعلام شد، زیرا منشور جامعه بین الملل را نقض می کرد. امروز لابی اسرائیلی که در سال ۲۰۰۳ در درون حزب سوسیالیست وقتی که فرانسوا هولاند دبیر اول آن بود تشکیل شد، و طبیعتاً گروه لئون بلوم نامیده می شود.

نتیجه گیری ها

در سال ۲۰۰۸، پروفیسور کاس سونستاین Cass Sunstein مشاور رئیس جمهور بارک اوباما و شوهر سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد، متن مشابهی را نوشته بود (۱۵).

او نوشته بود : « ما می توانیم به سادگی به فهرستی از پاسخ های ممکن بیندیشیم.

(۱) دولت می تواند نظریه پردازی های توطئه باور را ممنوع اعلام کند.

(۲) دولت می تواند نوعی مالیات یا جریمه یا مجازات دیگری در مورد انتشار این نوع نظریه پردازی ها را تحمیل کند.

(۳) دولت می تواند روش مقابله انتقادی را در پیش گیرد و با ضد بحث، نظریات توطئه باور را بی اعتبار سازد.

۴) دولت می تواند از بخش خصوصی معتبر برای ضد بحث استفاده کند.

۵) دولت می تواند در به شکل غیر رسمی بخش خصوصی یا شخص سوم را در ایجاد ضد بحث تشویق کند.»
به طور مشخص، دولت ایالات متحده بر آن شده است که افرادی را در امریکا و در خارج تأمین مالی کند تا اتاق های مذاکرات در سایت های انترنتی « توطئه باوران » را مخدوش ساخته و گروه هائی را برای مخالفت با آنها سازماندهی کنند.

وقتی این اقدامات کافی واقع نشد، فرانسه برای اقدامات اقتدارگرایانه فراخوان داد. به همان شکلی که در گذشته روی داد، برگزیدگان فرانسوی که حزب سوسیالیست بال چپ آن را تشکیل می دهد، به خدمت فرامین قدرت نظامی اصلی آن دوران برآمدند، امروز قدرت اصلی ایالات متحده است.

برای اجرای چنین طرحی، باید منتظر بمانیم و ببینیم که ضرورتاً این کدام مؤسسه دولتی است که مسؤولیت سانسور را به عهده خواهد گرفت و بر اساس کدام سنجه ها. ساده اندیش نباشیم، زیرا به یک آزمون قدرت واقعی نزدیک می شویم.

Thierry Meyssan

پرونده ضمیمه



« Conspirationnisme : un état des lieux », par Rudy Reichstadt, Fondation Jean-Jaurès, Parti socialiste, 24 février 2015.

(PDF - 159.3 ko)

1) « [Discours de François Hollande au Mémorial de la Shoah], « par François Hollande, Réseau Voltaire ۲۷ janvier 2015.

2) « [Conspirationnisme : un état des lieux], « par Rudy Reichstadt, Observatoire des radicalités politiques, Fondation Jean-Jaurès, Parti socialiste, 24 février 2015.

3) [L'Effroyable Imposture suivi de Le Pentagate], par Thierry Meyssan, Nouvelle réédition, entièrement réactualisée et annotée, éditions Demi-Lune.

۴) Léon Bourgeois لئون بورژوا، مجسمه ساز فرانسوی (۱۹۲۵-۱۸۵۱). نظریه پرداز « اتحاد گرائی » (« solidarisme ») (که سوسیالیست ها با «برادری» اشتباه می گیرند). او رئیس حزب رادیکال، رئیس شورای وزیران، نخستین رئیس جامعه ملت ها بود و جایزه نخل طلائی صلح نوبل در سال ۱۹۲۰ به او اهداء گردید. به کمک تزار نیکلا ۲ Tsar Nicolas II اصل داوری بین دولت ها را بنیانگذاری کرد که دیوان بین المللی دادگستری در سازمان ملل متحد فرجام امروزی آن است.

۵) Georges Clemenceau ژرژ کلمانسو (۱۹۲۹-۱۸۴۱). او از کمونارها در مقابله با راست دفاع می کرد و علیه چپ سوسیالیست ژول فرای Jules Ferry، و به همین گونه علیه طرح استعماری و بینش لائیک آن مبارزه می کرد. در حالی که طی جنگ جهانی، کشور شکست خورده به نظر می رسید، به مقام ریاست شورا نائل آمد و کشور را تا پیروزی هدایت کرد.

۶) Alain آلن، فیلسوف فرانسوی (۱۹۵۱-۱۸۶۸) از بنیانگذاران کمیته حراست از روشنفکران ضد فاشیست. او برای جمهوری به عنوان حافظ آزادی ها که باید اکیداً توسط مردم کنترل شود مبارزه می کرد.

۷) Jean Moulin ژان مولن، از مقامات عالی رتبه (۱۹۴۳-۱۸۹۹). او از جمهوری خواهان اسپانیایی دفاع کرد و به شکل غیر قانونی، گرچه دولت سوسیالیست بی طرف باقی مانده بود، برای جبهه مقاومت علیه فرانکیست ها اسلحه فرستاد. طی اشغال فرانسه، شورای ملی در جبهه مقاومت را با تمام تمایلات سیاسی (به جز آنهایی که در کنار فرانکیست ها مبارزه کرده بودند) هدایت می کرد. ژان مولن توسط نازی ها دستگیر شد و زیر شکنجه جان سپرد.

۸] « [La France selon François Hollande , par Thierry Meyssan ,Réseau Voltaire ۳۰ , juillet 2012.

۹] [La République veille à ce que le Pouvoir serve l'Intérêt général. La Démocratie exige que le Pouvoir soit exercé par tous les citoyens.

۱۰] « [Analyse des réflexions de Monsieur Beitone sur la prétendue rumeur d'extrême droite à propos de la loi de 1973 , par Étienne Chouard, 30 décembre 2011.

۱۱] [Émission *Mediapolis* sur la radio Europe 1, le 22 décembre 2012, l'ancien Premier ministre socialiste Michel Rocard était l'invité de Michel Field et d'Olivier Duhamel.

۱۲] [De nombreux responsables politiques se sont vainement opposés à cette loi, dont l'ancien président Jacques Chirac, et les anciens Premiers ministres Dominique de Villepin et François Fillon.

۱۲) چندین مقام سیاسی به شکل ناموفقیت آمیزی با این قانون مخالفت کرده اند، رئیس جمهور قدیمی ژاک شیراک، و نخست وزیر قدیمی دومینیک دو ویلپن و فرانسوا فیلون

۱۳] « [Qui est l'ennemi? , par Thierry Meyssan ,Réseau Voltaire ۴ , août 2014.

۱۳) دشمن کیست ؟ نوشته تی یری میسان. شبکه بین المللی ولتر. ۴ اوت ۲۰۱۴

۱۴] [My Enemy's Enemy : Lebanon in the Early Zionist Imagination, 1900-1948 , par Laura Zittrain Eisenberg, Wayne State University Press (1994). Thèse de doctorat vérifiée par Itamar Rabinovitch côté israélien et Kamal Salibi côté libanais.

]١٥ » [*Conspiracy Theories*],« Cass R. Sunstein & Adrian Vermeule, Harvard Law School, January 15, 2008.

گاہنامہ هنر و مبارزہ

« Ce que cache le discours contre les « conspirationnistes

L'État contre la République